مدیریت شهری
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017
۶۵-۸۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۵/۸

سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر «هویت و حس مکان» در سیر تحول «نظریه محله» با رویکرد فراتحلیل

زمزم زمانزاده دربان* – مربی بخش مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشکده هنر و معماری صبا، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

سنخیت‌شناسی عوامل تأثیرگذار بر هویت و حس مکان از مقولات مهمی است که نقشی اساسی در ایجاد فضاهایی سرزنده و برخورداری از شرایط زیستی مطلوب برای شهروندان و ساکنان شهرها خاصه در مناطق کلانشهری دارد؛ چنانچه احراز هویت یک مکان این امکان را می‌دهد که فرد در آن فضا مطمئن‌تر و با آرامش بیشتر حرکت کند. در این مقاله بررسی این مووضع در روش «توصیفی- تحلیلی» مورد نظر بوده و عوامل احراز هویت حس مکان در ساختار محلات در پرتو «نظریه محله» معرفی شدهاند که روش «فراتحلیل» نیز درپی جمعبندی تحقیقات و نظریات موجود در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان میدهد که شناخت، آشنایی و تسلط ذهنی بر هویت و حس مکان در فضا نه تنها نیروی زیادی برای ادراک طلب نمی‌کند بلکه آسودگی خاطر و احساس هویتمندی و حس مکان در استفاده از فضای محلات را به دنبال دارد؛ چنانچه احساس کنشمندی و خوانایی فضا لازم و ملزوم این همانی با فضاست. در پایان نیز مولفه‌ها و شاخص‌های احراز هویت و حس مکان به اختصار مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حس مکان، باهمستانهای شهری، نظریه محله، فضای شهری.

The typology of factors influencing identity and sense of place in the evolution of neighborhood theory with meta-analysis approach

Abstract

The typology of factors affecting identity and location is one of the important issues that play a major role in creating lively spaces and enjoying favorable living conditions for citizens and residents of cities especially in metropolitan areas; if the authentication of a site allows the individual to Space is safer and more relaxed. In this article, the study of this hypothesis is descriptive-analytic, and the factors of identity recognition of the sense of place in the structure of the neighborhoods have been introduced in the light of the theory of the neighborhood. The meta-analysis method is also followed by the compilation of the research and theories in this field. Is taken into consideration. Findings of the research show that recognition, familiarity and subjective dominance on the identity and sense of space in space not only do not require a great deal of perception, but the relief and sense of identity and sense of place in the use of local space If the sensation of action and readability of space is necessary for this space with space. At the end, the components and indicators of authentication and sense of place are briefly mentioned.

Key words: sense of place, urban neighborhoods, neighborhood theory, urban space.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۱۴۲۰۰۷۶، رایانامه: zamanzade.z@uk.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مقدمه

مفهـوم «محلـه» بعنـوان بسـتر یـا محـل سـکونت، ریشـه تاریخـی در ظهـور و بـروز مباحـث نظـری تاریـخ شهرسـازی و اصـولاً مقـولات «پارادایمـی»[۲] و «نظریهپـردازی» آن دارد. بنـا بهیـک تعریـف تاریخـی، واحدهـای مختلـف شـهر کـه طبقـات مختلـف اجتماعـی را در خـود جـای میدهنـد یـا نواحـی شـهری (بـا مرزهـای اداری یـا رسـمی) کـه دامنـهای از گروههـای اجتماعـی را تحـت پوشـش قـرار میدهنـد، «محلـه» نامیـده میشـدهاند[۳]؛ امـا «توسـعه» مفهـوم محلـه بصورتـی کـه کاربریهـای غیـر از سـکونتی را در نظـر بگیـرد، دیدگاهـی مختـص قـرن حاضـر اسـت. مسـئله مهـم بـرای شهرسـازان (عـلاوه بـر عملکـرد)، بحـث «سـاختار اجتماعـی» سـاکنان محـلات اسـت کـه تحـت مسـالهای بنـام «هویـت»[۴] مطـرح اسـت کـه بهنوعـی تحتالشـعاع محتـوا قـرار میگیـرد. پـس هـم «محتـوی» و هـم «عملکـرد» در «نظریـه محلـه» در قـرن اخیـر مـورد مناقشـه اسـت. مهمتریـن انتقـاد در رابطه بـا هویت محلهـای، «کارایـی اجتماعـی»[۵] آن اسـت. در واقـع، ایـن توقـع کـه طراحـی فیزیکـی بتوانـد روابـط اجتماعـی را تغییـر دهـد و نوعـی «حـس اجتماعـی»[۶] و یـا شـاید «حـس مـکان» در محـلات ایجـاد کنـد، مـورد چالـش صاحبنظـران قـرار گرفتهاسـت. جنبههـای اجتماعـی محلـه معمـولاً بـه «حـس اجتماعـی» تعبیـر میشـود کـه در صـورت آمیـزش بـا مقـولات روان شـناختی یـا ادراکی حـس مـکان در محـلات را شـکل میدهـد. گروهـی از نظریهپـردازان ماننـد «کیـس»[۷] (۱۹۷۳) و «ساراسـن»[۸] (۱۹۷۴) عقیـده دارنـد کـه محلـی بـودن دیگـر نـه ممکـن و نـه مفیـد اسـت و زندگـی شـهری مـدرن دیگـر جایـی بـرای حـس اجتماعـی باقـی نگذاشتهاسـت. گـروه دوم عقیـده دارنـد کـه ایجـاد محلههـای شـهری بنوبـه خـود میتوانـد حـس اجتماعـی قـوی را موجـب شـود. از دیـدگاه «ماکـس وبـر»[۹] (۱۹۶۴) بـرای شـکلگیری یـک جامعـه «علاقـه»[۱۰] لزومـاً نیـازی بـه «جامعـه مـکان»[۱۱] نیسـت. یـک محـدوده جغرافیایـی ماننـد محلـه میتوانـد یـک جامعـه مـکان در نظـر گرفتـه شـود، در صورتـی کـه یـک قلمـرو خـاص (جغرافیایـی یـا غیرجغرافیایـی) کـه بتوانـد حـس مشـترکی را ایجـاد کنـد ماننـد یـک طبقـه شـغلی یـا تخصصـی جامعـه علاقـه اسـت. در گذشـته، بدلیـل آنکـه افـراد نیـاز بـه جابجایـی کمتـر داشـتند و معمـولاً محـل سـکونت و کار در مجـاورت هـم قـرار داشـت، مفهـوم جامعـه مـکان نمـود بیشـتری داشـت.

۲. در سـالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۷۰ «تومـاس کوهن» فیزیکدان آمریکایـی، مفهـوم «پارادایـم» را وارد متـون علمـی جهان کـرد و از ایـن مفهـوم تعریـف و تفسـیری ارائـه داد. وی در کتـاب «سـاختار انقـلاب هـای علمـی»، ایـن عقیـده را مطـرح سـاخت کـه پیشـرفت علـوم تابـع یـک «رونـد تکاملـی و خطـی» نیسـت، بلکـه «نظریـه هـای علمـی» در هـر دوره تحـت تسـلط شـرایط فکـری و گـزاره هایـی اسـت کـه در آن زمـان اعتبـار و ارزش دارد. ایـن شـرایط فکـری و گـزاره هـای مسـلط در هـر دوره، در واقـع زمینه و چارچوبـی بـرای شـناخت علمـی پدیـد مـی آورنـد کـه «تومـاس کوهـن» آن را «پارادایـم» (انـگاره) نامیـده اسـت. بـا تغییـر شـرایط فکـری و اجتماعـی، پارادایـم هـا نیـز تحـول مـی یابـد و در نتیجـه انقـلاب هـای علمـی پدیـد مـی آیـد (مهدیـزاده، ۱۳۸۵، ص ۸).

۳. محلـه بـه عنـوان سـلول شـهری در شـهر انعکاسـی از جامعـه بـوده و مفاهیمـی همچـون هویـت، وحـدت، خوانایـی، هماهنگـی، سـازگاری و بسـیاری از مفاهیـم دیگـر را در خـود جـای داده اسـت؛ امّـا بـه تدریـج و بـا نفـوذ سـبک معمـاری مـدرن محّلههـا انسـجام و پیوسـتگی و هویـت و شـخصّیت مسـتقّل خود را از دسـت داده و مفهـوم و ارزشهـای محلّـه بیاعتبـار شـده و بدنبال درک ناشـیانه و برداشـت سـودجویانه از دیـدگاه مدرنسـیم بافـت مسـکونی از شـکل محلّهـای بـا بافـت فشـرده و بسـته بـا برخوردهـای اجتماعـی محـدود بـه یـک سیسـتم بـاز و قابـل دسـترس بـا روابـط اجتماعـی پراکنـده تبدیـل شـد. بدیـن ترتیـب طـرح محّلـه هـای سـنّتی تحـت تاثیر سـاختار بیگانـه قـرار گرفـت و زندگـی سـنّتی حاصـل از آن بـه علّـت روابـط اجتماعـی جدیـد و وارداتـی دچـار دگرگونـی شـد.

۴. Identity
۵. Effectiveness Social
۶. Community sense
۷. Keyes
۸. Sarason
۹. Webber
۱۰. Community of interest
۱۱. Community of place

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

افزایش نیاز به جابجایی، منجر به ناهمگنی بیشتر در سطح محلهها شد و این بنوبه خود باعث شد تا ارتباطات اجتماعی کمتری در محدوده محله بوجود آیند. اما غالب نظریهپردازان دیدگاه میانی بین دو طیف افراطی (تقدیسگرایان محله، و منکران محله) در پیش گرفتهاند. به عنوان مثال، «راپاپورت»[12] (۱۹۷۷) میگوید: این سخن که محله امروزه دیگر مهم نیست چرا که مردم دیگر فراتر از یک قلمرو فضایی زندگی می کنند، اگر چه با شواهدی همراه است ولی مردود است. قدر مسلم، اهمیت محله بعنوان یک فاکتور حیاتی برای زندگی شهری، به نظر می آید که در حال کاهش باشد. «لانگ» (۱۹۹۶) عقیده دارد که تسهیلات محلی و قلمرو محلی اگر چه از زاویه ارائه خدمات مهم هستند ولی نباید از آن توقع داشت که ترتیبات و الزامات اجتماعی خاصی دیکته کند. حداقل برای کسانی که دائم در حال جابجایی هستند قلمرو جغرافیایی مهم نیست و البته نه برای هر کس. «جاکوبز» (۱۹۷۰) میگوید حتی بی مسئولیت ترین شهروندان نسبت به فضای خیابان و منطقه محل سکونت خود حساس هستند. شهروندان بخاطر زندگی روزانه خود نیاز مند محله هستند و این ربطی ندارد به اینکه چه مقدار حق انتخاب در فضای خارج از خانه خود دارند. در این مقاله در ابتدا به تعاریف و مفاهیم مرتبط با حس مکان و هویت مکان پرداخته شده و در نهایت این مفاهیم در سطوح محلات به اختصار مورد اشاره قرار گرفته و در پایان نتیجهگیری لازم ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

مصطفی عباس‌زادگان در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی‌های پژوهش در طراحی شهری؛ نمونه‌های موردی در ایران» (عباس‌زادگان، ۱۳۸۶) در موضوع مطالعات محیطی، رفتاری اینچنین می‌نویسند: روش‌های مطالعه ادراک محیط محلات، نحوه دریافت، تفسیر و درک محیط شهری را به‌عنوان لایه پنهان و معنایی فضاهای شهری برای شهروندان ممکن می‌کند و در ادامه با این فرضیه در نحوه درک فضا بر رفتار تأثیر می‌گذارد و پژوهشگران را به طرف مطالعه رفتار در فضا رهنمون می‌شود. ایشان در همین مقاله به معرفی پروژه «طراحی پیش‌فضاهای ورودی به حرم مطهر حضرت امام رضا(ع)»، به عنوان مثالی برای سطح اول و «مطالعه چیدمان فضایی بافت تاریخی شهر سمنان»، به عنوان مثالی برای سطح دوم این مطالعات پرداخته‌اند. رفیعیان و خدائی (۱۳۸۸) در تحقیقی در شهر تهران با عنوان «شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، سه متغیر «دسترسی به خدمات»، «امنیت اجتماعی» و «هویت مکانی» را از اثرگذارترین عوامل در رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می‌کنند. رفیعیان و همکاران (۱۳۸۷) نیز به سنجش تأثیرگذاری فضاهای عمومی در میزان اجتماعیشدن و تقویت مشارکت اجتماعی زنان پرداخته‌اند. در مطالعاتی در «مینه سوتای شمالی»[13] که برای «سنجش کیفیت محیط‌های محلات مسکونی» انجام شده است، سه مؤلفه‌ی «حس مکان، احساس تعلق مکانی و هویت مکان» را از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط در نظر گرفته‌اند. دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶) در تحقیق خود فرآیند اجتماع‌پذیری و ارتقاء حیات جمعی درون فضاهای عمومی را مبتنی بر پذیرا بودن فضا برای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تأمین آسایش روانی و فیزیکی، لذت بردن افراد و گروه‌های اجتماعی از حضور در فضا و حضور اجتماعی فعال و مداوم در فضا دانسته‌اند. و با توجه به آن‌ها به ما به ازاهای فضایی چون دعوت کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخگوی فعالیتی در راستای هدفشان اشاره نموده‌اند. کاشانی‌جو (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای

۱۲. Rapaport

۱۳. Minnesota North

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

عمومی شهری محله ای»، این فضاها را به عنوان «مکان سوم» که نقش اساسی در برقراری تعاملات اجتماعی ایفا می‌نمایند می‌شناسد. وی سه دوره اصلی بر مبنای گرایش موضوعی به فضاهای شهری را در نظر گرفته است. در دوره پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰، تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری، در دوره دوم از سال تا ۱۹۹۰ بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تأثیرات محیطی- رفتاری فضاهای شهری و در دوران خیر از ۱۹۹۰ تاکنون بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها را مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی- پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی می‌داند. ترابی (۱۳۹۱) تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی، سه عامل جذابیت و زیبایی، امنیت و آرامش و دسترسی و سلسله مراتب را برافزایش تعاملات اجتماعی تأثیرگذار دانسته است. همچنین در تحقیق بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) بیان شده است مؤلفه‌های فردی تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و روابط پایدار اجتماعی دارند و هر فرد متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در آن رشد کرده نوع و سطح خاصی از روابط را با دیگران و محیط انتخاب می کند. البته در پژوهش بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) اثبات شد، نقش مؤلفه‌های کالبدی و محیط فیزیکی به عنوان بستر شکل‌گیری روابط ساده و پیچیدهٔ اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت، بنابراین در اینجا نقش و قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی تأیید می شود.

جدول۱. خیابان‌های شهری و تعاملات اجتماعی؛ مأخذ: بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲، ص ۶۲

مؤلفه‌های مؤثر	مؤلفه‌های کالبدی	مؤلفه‌های فردی	مؤلفه‌های ادراکی
کیفیت تأثیر	تأثیر مستقیم بر رفتار	تأثیر مستقیم بررفتار	تأثیر غیر مستقیم بررفتار
نوع تأثیر	شکل‌گیری و تثبیت تعاملات	شکل‌گیری وتثبیت تعاملات	تداوم و بقاء تعاملات
ترتیب اثر گذاری	آغاز و ابتدا	آغاز و ابتدا	در ادامه
شاخص‌ها	کیفیت عملکردی وفعالیت پذیری، نفوذ پذیری و دسترسی	جنسیت، مدت سکونت، سن، سطح در امد	ایمنی، امنیت، خوانایی

در پژوهش قنبران و جعفری (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی» عوامل موثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی به ۳ دسته «ساختار اجتماعی- سیاسی شهر،ساختار کالبدی- فضایی و عامل روانی- اجتماعی» استفاده‌کنندگان از فضا تقسیم شده است. مدل استخراج شده در این پژوش بیانگر آن است که ساختار اجتماعی- سیاسی شهر و زیر فاکتورهای آن با ۰/۲۹، ساختار کالبدی- فضایی با ۰/۳۴، حالات روحی- روانی استفاده‌کنندگان از فضا و زیر فاکتورهای آن با ۰/۳۲ در ارتقاء تعاملات اجتماعی افراد موثر است. نمودار ۱ مبین مولفه‌های مستخرج از این پژوهش است.



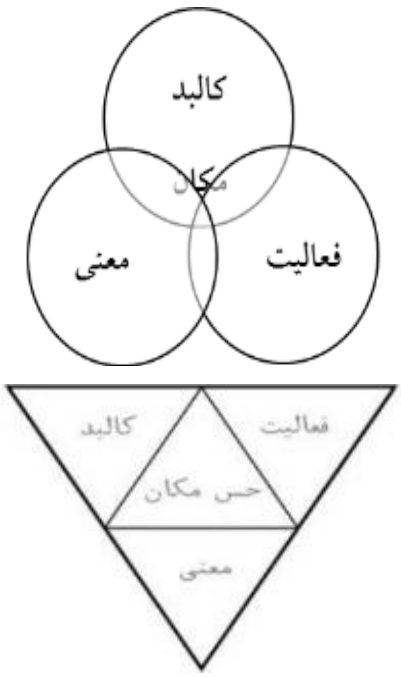
نمودار ۱. مدل تحلیلی مطالعه قنبران و جعفری؛ مأخذ: قنبران و جعفری، ۱۳۹۲، ص ۶۳

همچنین پژوهش‌های دیگری در زمینه تعاملات اجتماعی در فضاهای باز محلات تاکنون انجام شده است. از این میان می‌توان به مقاله «نقش فضاهای باز در حس تعلق به مکان، مطالعه موردی: شهرک

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

اکباتـان در تهـران» اشـاره نمـود. ایـن مقالـه بـه حـس تعلـق در فـاز دو شـهرک اکباتـان و رابطـه بیـن مـردم و کالبـد، رابطـه ویژگی‌هـای معمـاری و ایجـاد حـس تعلـق در ایـن شـهرک را بررسـی نمـوده اسـت. پژوهـش دیگـر کـه بـه آن اشـاره می‌شـود مقالـه «فضاهـای عمومـی و افزایـش تعامـلات اجتماعـی نمونـه مـوردی مجتمـع مسـکونی کوثـر و فـاز دو مجتمـع مسـکونی اکباتـان» اسـت کـه بـه ارائـه راهکارهـا بـرای جداره‌هـای بیـن فضاهـای مسـکونی در فـاز ۲ شـهرک اکباتـان پرداختـه اسـت و از طریـق مطالعـات میدانـی و پرسشـنامه‌ای، راه حل‌هایـی را بـرای تقویـت تعامـلات اجتماعـی در فضاهـای عمومـی ارئـه کـرده اسـت.

اصلـی تریـن تحقیـق در ایـن رابطـه، مـدل مشـهور «دیویـد کانتـر»[۱۴] از پیشـگامان مطالعـات ادراکـی معماری و طراحـی شـهری، را میتـوان از دیگـر چارچوب‌هـای نظـری کـه قـادر بـه تبییـن مولفه‌هـای کیفیـت طراحـی محیط‌هـای مسـکونی شـهری اسـت، محسـوب نمـود. بـر اسـاس مـدل مزبـور کـه بـه مـدل مـکان شـهرت دارد، محیـط مسـکونی شـهری بـه مثابـه یـک مـکان متشـکل از سـه بعـد درهـم تنیدهـی «کالبـد»، «فعالیت‌هـا» و «تصـورات» اسـت. جذابیـت و کارایـی مـدل کانتـر باعـث شـده اسـت کـه تـا دیگـر صاحـب نظـران طراحـی شـهری نیـز بـا الهـام یـا اقتبـاس از آن روایت‌هـای متنوعـی از ایـن مـدل ارائـه دهنـد. بـه عنـوان مثـال مـدل «حـس مـکان» جـان پانتـر۱۵ را کـه بـر سـه گانـه بـودن مولفه‌هـای دخیـل در خلـق حـس مـکان دلالـت دارد، می‌تـوان از روایت‌هـای فرعـی مـدل کانتـر دانسـت. بـر اسـاس مـدل جـان پانتـر سـه مولفـه «کالبـد»، «فعالیـت» و «معنـی» در خلـق حـس مـکان دخیـل میباشـند کـه بـه نحـو قابـل ملاحظـه‌ای بـا سـه مولفهـی پیشـنهادی کانتـر تشـابه دارنـد (گلـکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱). براسـاس مـدل پانتـر سـه مولفـه «کالبـد»، «فعالیـت» و «معنـی» در خلـق حـس مـکان دخیـل هسـتند کـه بـه نحـو قابـل ملاحظـه‌ای بـا سـه مولفـه پیشـنهادی کانتـر یعنـی «کالبـد»، «فعالیـت» و «تصـورات» تشـابه دارنـد.



نمودار ۲. (سمت راست) مولفه‌های سه گانه کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی در مدل کانتر؛ ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱.

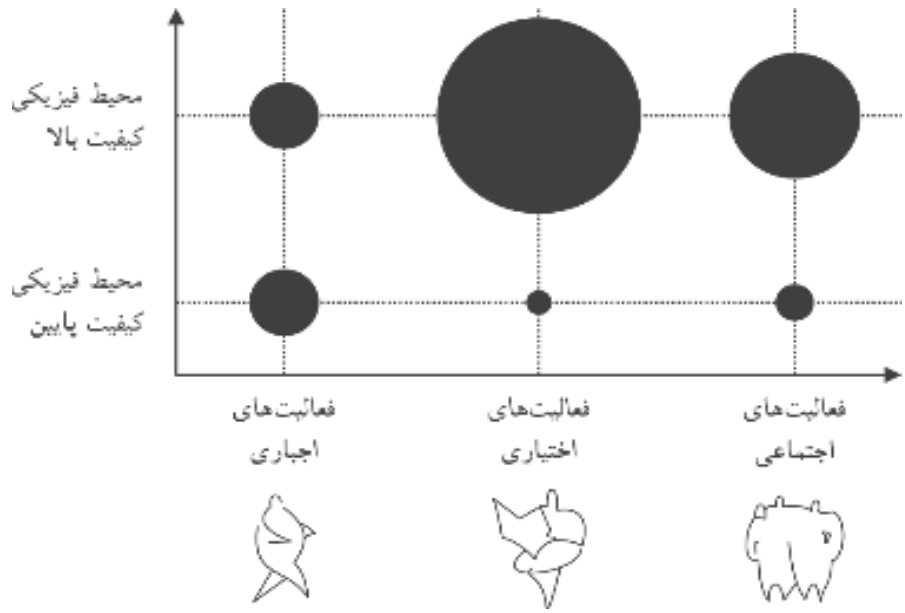
نمودار ۳. (سمت چپ) حس مکان (جان پانتر-۱۹۹۱) ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۳۱.

۱۴. Canter David: دیویـد کانتـر، متولـد انگلسـتان و اسـتاد روانشناسـی محیـط دانشـگاه لیورپـول اسـت. در طـول دو دهـه گذشـته درزمینـه نقشـه تحقیقاتـی روانشناسـی فعـال بـوده اسـت. رویکـرد او تامـل سیسـتماتیک در تحلیـل رفتـار انسان‌هاسـت. (علیمردانـی و همـکاران، ۱۳۹۱)

۱۵. Punter John

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۴. دسته‌بندی فعالیت‌ها بر اساس نظر یان‌گل؛ مأخذ: گل، ۱۳۸۷، ص ۵.

مبانی نظری

رفتارشناسی و محلات شهری

هـر فـرد تعـدادی نیازهـای ذاتـی دارد کـه فعال‌کننـده و هدایت‌کننـده رفتارهـای اوسـت. ایـن نیازهـا غریـزی هسـتند، یعنـی مـا بـا آن‌هـا بـه دنیـا می‌آییـم، امـا رفتارهایـی کـه مـا بـرای ارضـای ایـن نیازهـا بـکار می‌بریـم ذاتـی نیسـتند، بلکـه آموختنـی هسـتند و از اینـرو افـراد در انجـام ایـن رفتارهـا و نحـوه ارضـای ایـن انگیزه‌هـا تفاوت‌هـای زیـادی پیـدا کننـد (پاکـزاد، ۱۳۸۸، ص ۳۲). بـر اسـاس هـرم «نیازهـای انسـانی مازلـو»[۱۶] (نمـودار ۵) احتیاجـات افـراد بـه دو گـروه تقسـیم می‌شـود. دسـته نخسـت نیازهـای مـادی و جسـمانی اسـت کـه در صـورت ارضـای ایـن دسـته، طیـف دیگـری از نیازهـا مطـرح می‌شـود کـه بـه بعـد روحـی و روانـی زندگـی انسـان بـاز می‌گـردد. بـر ایـن اسـاس یکـی از نیازهـای انسـان‌ها (از جملـه شـهروندان) نیـاز بـه برقـراری تعامـلات و روابـط اجتماعـی اسـت. بدیـن ترتیـب از تعامـلات و روابـط اجتماعـی هـم بـه عنـوان یـک نیـاز فطـری و هـم وسـیله‌ای بـرای ارضـای نیازهـای دیگـر نـام بـرده می‌شـود.

۱۶. آبراهـام هَرولـد مَزلـو (بـه انگلیسـی: Maslow (Harold) Abraham) روانشـناس انسـان‌گرای آمریکایـی می‌باشـد. وی بـه عنـوان پـدر روانشناسـی انسـان گـرا شـناخته می‌شـود. او در سـال ۱۹۵۴ کتـاب «انگیـزه و شـخصیت» را دربـاره نظریـه سلسـله مراتـب نیازهـا منتشـر کـرد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول ۳. نیازهای انسانی و راهکارهای طراحی جهت برآوردن آنها بر اساس مدل لنگ؛ ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹، ص ۲۹

نیاز	راهکار طراحی
فیزیولوژیک	کیفیت مسکن، تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش(دما، آفتاب، باران، تنظیم شرایط اقلیم خرد) و حفظ تعادل بوم شناسی محل
ایمنی	کیفیت ایمنی معابر، امکان نظارت و مراقبت، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی و انعطاف پذیری فضاهای مسکونی
احساس تعلق	تامین تسهیلات اجتماعی، تقویت حس مکان، هویت، خوانایی، تناسب بصری
عزت نفس	کیفیت و چگونگی «مالکیت» اراضی و مستحدثات، ایجاد حس فردیت و تعلق داشتن به مکان و گروه خاص
خودشکوفایی	شخصی سازی فضا و رعایت اصل تنوع در طراحی
شناختی و زیباشناختی	تامین امکان فعالیت‌های فرهنگی- تفریحی توسط طراحی شهری، خلق مناظر شهری و طبیعی خوب و ایجاد غنا در کیفیات محیطی.

هـرگاه عملـی از شـخصی سـرزند کـه بـا پاسـخی از سـوی فـرد دیگـر همـراه باشـد، اصطلاحـاً بـه ایـن عمـل متقابـل دو سـویه، تعامـل اجتماعـی یـا کنـش متقابـل اجتماعـی گفتـه می‌شـود. در ایـن صـورت میـان ایـن دو شـخص، یـک رابطـه اجتماعـی برقـرار می‌شـود (عبـاس‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۵).

نمودار ۵. سلسله‌مراتب نیازهای مازلو؛ مأخذ: گلرخ، ۱۳۹۱، ص ۷۲.



بـرای ارضـای ایـن نیازهـا، طبـق نظـر مازلـو، انگیزش‌هـای انسـان بایـد مـورد توجـه خـاص قـرار گیـرد. ایـن انگیزش‌هـا می‌تواننـد مـادی و یـا معنـوی باشـند و بـا تغییـر در ایـن انگیزش‌هـا اسـت کـه ناگهـان شـکل‌ها و قابلیت‌هـای محیـط معنـا می‌یابنـد و یـا معنـای خـود را از دسـت داده بـه نابـودی می‌گراینـد. در مـدل مازلـو توجـه تنهـا بـه نیازهـای پسـت بدلیـل تنـزل مقـام انسـان نکوهـش شـده اسـت و شـناخت انسـان سـالم را از طریـق توجـه بـه نیازهـای عالـی او امکان‌پذیـر می‌دانـد. مـدل ارائـه شـده در روانشناسـی انسـان‌گرای مازلـو و تعمیـم دادن آن بـر رفتارهـای انسـان در فضاهـای معمـاری و شـهری می‌توانـد سـازوکار مناسـبی بـرای تجزیـه و تحلیـل تعامـل و ارتبـاط انسـان و محیـط سـاخته شـده بدسـت دهـد. ایـن مـدل بـه معمـاران و طراحـان شـهری کمـک می‌کنـد تـا بـه علـل شـکل‌گیری مجتمع‌هـای زیسـتی و فضاهـای معمـاری در ارتبـاط بـا نیازهـای انسـان توجـه نماینـد (مطلبـی، ۱۳۸۰، ص ۶۲). محیـط پیرامـون مـا سرشـار از اطلاعـات بالقـوه (واقعیـت) اسـت. مـا ابتـدا متناسـب بـا توانایی‌هـای جسـمی و روانـی خـود، بخشـی از ایـن واقعیـت را بـه صـورت یـک عینیـت (اطلاعـات بالفعـل) ادراک می‌کنیـم. سـپس قضاوت‌هایـی را براسـاس ادراک خـود سـازماندهی می‌کنیـم و بـر اسـاس ایـن قضاوت‌هـا، ذهنیتـی از محیـط بـرای خـود می‌سـازیم. ایـن ذهنیـت عوامـل پایـه ای در رفتـار مـا هسـتند (پاکـزاد و همـکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۵). محیـط دور و بـر تاثیـر عمیقـی بـر کارهـای مـا دارد. خلـق، عملکـرد

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

کاری و حتی سلامت جسمی ما تحت تاثیر دروندادِ حسی است که دائما از این محیط دریافت می‌کنیم (مک اندرو، ۱۳۹۲، ص ۷۱). میان انسان و محیط یک عامل ارتباط وجود دارد. این عامل ارتباط با وجوه مشترکی که با فرد و محیط دارد امکان تبادل اطلاعات، نیروها و اعمال تغییرات درطرفین را ایجاد می‌کند. در واقع به سبب استفاده از نمادها و نشانه‌های مشترک است که ارتباط برقرار شده و دو پدیده قابلیت ارتباط و تبادل با یکدیگر را پیدا می‌کنند (پاکزاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

نظریه محله

«کالوس»[۱۷] سیر تاریخی «نظریه محله» را به چهار مرحله تفکیک می‌کند:

۱. «محله بعنوان بستری برای برقراری روابط با سایر کارکنان»: این دیدگاه مشارکت شهروندان در اوضاع و احوال محله زندگی خود را بعنوان یک شاخص مهم در کیفیت زندگی شهری میداند. این دیدگاه ابتدا توسط «ترنر»[۱۸] و «فیچتر»[۱۹] در دهه ۷۰ مطرح شد. امروزه این نظریه مجدداً مورد اقبال قرار گرفته و بخصوص در غرب به نقش شهروندان در طراحی محلات سکونتی برای دستیابی به محیطهایی انسانیتر پرداخته شده است.

۲. «محله بعنوان واحد خودکفایی (از نظر اداری و مدیریتی) یک شهر»: این دیدگاه توسط هاوارد در نظریه باغشهر (۱۹۵۷) مطرح شد. ارزش این نظریه بیشتر در نظریه باغ شهری هاوارد خودنمایینی کند.

۳. «محله بعنوان راهکاری برای ارتقاء کیفیت زندگی‌شهروندان»: مامفورد (۱۹۵۴) بر این عقیده است که پرداختن به محله، تنها راهکار عملی در حل مشکلات کلانشهرهاست؛ هر چند مامفورد استقلال و خودکفائی کامل محله ها را مطرح میکند ولی او عقیده دارد که محله باید جوابگوی نیازمندیهای روزمره ساکنان باشد. به اعتقاد او، محله نقش والدین یک خانوار را دارد که در هر مرحلهای از زندگی یک فرد میتوان «نقش حمایتی»[۲۰] در رشد فرد را داشته باشد. بر خلاف مامفورد که از محله انتظار برآورده کردن توقعات روزمره را دارد، لوکوریوزیه محله را یک وسیله رفاهی (بهداشتی، راحتی) می داند که ساکنان خود را از صدمات شهر و زندگی شهری مصون می دارد، و اما هر دو، ارتقاء شرایط زندگی را از محله انتظار دارند.

۴. «محله بعنوان شاکله هویتی و معنا بخشی به مکان های شهری»: راپاپورت (۱۹۹۷) نخستین کسی بود که محله را بعنوان ابزاری توصیف کرد که شهروندان با استفاده از آن می توانند هویت خود را بازیابند. دسترسی محلی به نیازها و توانایی ساکنان به معرفی خود در سطح فردی یا جمعی بطوریکه به آنها کمک می کند تا هویت محله خود را تعریف کنند و تمایلات و ترجیحات خود را بیان کنند، فعالیتهای مربوطه را انجام دهند و تفاوتها و پیچیدگیها را در عرضه شهری خلق کنند. و اما از دیدگاه شهرگرایان جدید مانند «کریر»[۲۱] (۱۹۸۴)، «کیتز»[۲۲] (۱۹۹۴) و «دانی»[۲۳]، «پلاتر»[۲۴] و «زیبرک»(۱۹۹۱[۲۵]) مفهوم محله اگر چه سمبولیک است ولی ایجاد ارتباط بین یک «مکان»[۲۶] و «فعالیت»[۲۷] ضروری است. محله بعنوان یک فضای عمومی دیده می شود که بطور روزانه

۱۷. Kallus
۱۸. Turner
۱۹. Fichter
۲۰. Cooperation Parental
۲۱. krier
۲۲. Katz
۲۳. Duany
۲۴. Plater
۲۵. Zyberk
۲۶. Place
۲۷. Activity

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

توسط ساکنان مورد استفاده قرار می گیرد. انتقاد از تئوری محله علی‌رغم بهره گیری از تئوری محله برای ارائه راه حل هایی درجهت پاسخگویی به مشکلات متفاوت زندگی شهری، مفهوم محله از جهاتی مورد انتقاد قرار گرفته است. به موازات توجههای اخیر به «جنبههای روانشناختی محلهها» در انتقال مفاهیم و بیان هویت، نظریه های طراحی شهری به گونه ای با نظریه محله در هم آمیخته اند. اگر چه در بعضی موارد، این رویکردهای جدید بنظر میآید که واسازی مفاهیم گذشته باشد، ولی عمدتاً بدنبال راهحلهای کامل تری برای مسائل شهری هستند:

۱. «**کوچک زیباست**»: توجه به محدود سازی و کوچکتر کردن نواحی مسکونی از بحث های جدید است. «اسمیت»[۲۸] (۱۹۸۰) معتقد است که بنا بر یک باور صریح، «محلیگرایی»[۲۹] و «کوچکی»[۳۰] با ارتقاء کیفیت زندگی ملازم هستند. در این راستا، «گرین برگ»[۳۱] (۱۹۹۵) میگوید ایجاد محله با اندازه محدود، منافاتی با بزرگ بودن شهر ندارد. مدل های جدید شکل محله، که بنوعی با الگو گرفتن از طراحی های سنتی پیشنهاد می شوند در تلاش برای ارائه مزیت های توسعه کوچک مقیاس هستند. بعنوان مثال، الگوهای روستا شهر[۳۲] در انگستان و طراحی نئوسنتی[۳۳] در امریکا، بر اساس توجه به کوچک سازی ارائه شده اند.

۲. «**پایداری**»: این رویکرد جدید در طراحی شهری به گونه ای صریح و مؤثر با مفهوم محله در ارتباط است. برای دستیابی به یک جامعه پایدار، بایستی از ارزشهای اجتماعی و نیازهای شهروندی تعریف جدیدی ارائه کرد. «دارلو»[۳۴] (۱۹۹۶) توسعه پایدار یک آرمان فرهنگی است چراکه در جستجوی اصلاح نگرشها و شیوه های زندگی است. جنبههایی از توسعه پایدار که با مفهوم محله میتوانند در یک راستا قرار بگیرند عبارتند از: ۱- «خودکفایی»[۳۵]: خود کفایی یک نکته مهم در محیطهای پایدار است که در مقیاسهای متفاوت از یک ساختمان تا محله ها، شهرها و منطقهها توصیه می شود. محله می تواند نقش کلیدی در این زنجیره باز کند، اگر چه در واقعیت، داشتن یک محله کاملاً خودکفا در سطح یک شهر دور از ذهن و غیر منطقی است. ۲- «کاهش سفرهای درون شهری»: در ابر شهرهای امروزی کاهش سفرهای درون شهری یک ضرورت است. این هدف می تواند از طریق تشویق پیاده روی، دوچرخه سواری و استفاده از حمل و نقل عمومی برآورده شود. تعبیه خدمات محلی در یک آستانه قابل پیادهروی، توزیع تسهیلات در سطح محله در کنار پراکنش متوازن مراکز فعالیتی در پهنه شهر می تواند چنین هدفی را برآورده سازد.

۳. «**قابلیت اجتماعی و حس جمعی**»: این مورد نیز از مولفه های جوامع پایدار است. پایداری نه تنها با مصرف انرژی و بازیافت مصالح سرو کار دارد، بلکه تمام جنبههای زندگی که برای دستیابی به یک محیط مطبوع و ایمن لازم است را در بر میگیرد. نقش تعامل اجتماعی بخصوص زمانی پر رنگ میشود که مردم بخواهند در تصمیم سازی های مربوط به محیط پیرامون خود دخالت کنند. «استیوارت و هنز»[۳۶] (۱۹۹۲) تاکید دارند که نیازمندیهای توسعه پایدار نمی تواند تحمیل شود اگرچه

۲۸. Smith
۲۹. Localism
۳۰. Smallness
۳۱. Greenberg
۳۲. Urban-village
۳۳. Neo-traditional Design
۳۴. Darlow
۳۵. Self – sufficiency
۳۶. Stewart and Hans

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مشارکت فعال جوامع محلی ضروری است.

٤. «**برابری و توازن**»: برابری یک مقوله مهم در توسعه پایدار است. شهری که بر اساس واحدهای همسایگی توسعه مییابد بستر مناسبی برای توازن و تامین برابری فراهم میکند. الکساندر کریستوفر معتقد است که شهرهای بزرگ زمانی مقبول هستند که مراکز متعددی در گستره آنها فراهم و تجهیز شوند و توسعه شهری بصورت ارگانیک بر مبنای این مراکز شکل بگیرد.

٥. «**حس مکان و هویت**»: از دیگر مؤلفههای محیط پایدار، برخورداری از حس مکان و هویت خاص است. سکونتگاههای سنتی تناسب و تطابق بهتری بین ساختار فضایی، عنصر زمان، معنا، ارتباطات و فرهنگ اجتماعی برقرار می کردند. از طرفی دیگر، رویکردی که با تقلید شکلی از سکونتگاههای سنتی برای دستیابی به مکانهای با هویت اخیراً مرسوم شده است بایستی با شناسایی قابلیتهای واقعی و ویژگیهای انفرادی هر محمل خاص جایگزین شود. به عقیده «هاتون و هانتر» [۳۷](۱۹۹۴). یک سکونتگاه پایدار باید در پی ارتقاء و حفظ ارزش ها و ویژگی های مثبت خود در زمینه محیط طبیعی، مصنوعی و فرهنگی باشد.

٦. «**ایمنی و تمایز اجتماعی**»: محلههای دروازهدار[۳۸] امروزه یک پدیده مورد اقبال بخصوص در آمریکا هستد، اگر چه قدمت آنها به ۳۰۰ سال قبل میلاد میرسد [۳۹](۱۹۹۷)، اما اکنون شکل های جدیدی از آنها عرضه شده اند. این رویکرد جدید می تواند بعنوان طیفی از تمایلات به خصوصی سازی فضاهای عمومی و تسهیلات رفاهی باشد که در طی دهه های اخیر برای ایجاد تمایز اجتماعی بین نخبگان و عوام مطرح شده است. اگرچه این پدیده با هدف تنوع اجتماعی مغایرت دارد، منتها می تواند بعنوان نگرشی جدید در استفاده از مفهوم محله مطرح شود.

هویتمندی محلات

هویت جزء ویژگیهای یک پدیده نیست، بلکه حاصل توافقای میان فرد و پدیده مورد ارزیابی است. بنابراین هویت مفهومی است نسبی که از یک طرف به انسان و از طرفی دیگر به محیط برمیگردد و نمی تواند قائم به پدیده و ثابت باشد و دیدگاه فرد نیز در آن دخیل است. در شرایط عادی هیچ پدیدهای را بدون درنظر گرفتنِ ذهنیتی که آن را ارزیابی می کند، نمیتوان مطلقاً و قائم به ذات بیهویت نامید. چون همیشه این احتمال وجود دارد، که پدیده مزبور از منظری دیگر هویتمند باشد. لذا بحث هویت فارغ از ارزش گذاری بوده و نمی توان عینیتی که از نظر ما خوشایند است دارای هویت و آنچه ناخوشایند است، بیهویت قلمداد کرد. چراکه هر پدیده هویت خاص خود را دارد، صرف نظر از احساس مطلوب یا نامطلوبی که در فرد بر می انگیزد. با این تفاسیر، بحث هویت تنها در یک بستر زمانی و مکانی معلوم و از دیدگاه افراد مشخص قابل طرح است (قاسمی، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

به منظور تشخیص هویت؛ معلوم بودن عینیت مورد هویت سنجی و ذهنیتی که به سنجش هویت عینیت مفروض می پردازد، ضرورت دارد. بخشی از ذهنیات ما متشکل از توقعاتی است که از هر پدیده داریم. به عبارتی پدیده وقتی هویت مند احساس میشود که توقعات را برآورده می سازد و با ردیابی توقعات امکان تشخیص و تمییز آن به سهولت امکان پذیر باشد. در جریان دنبال نمودن توقعات و تشخیص هویت یکی بودن تصویر ذهنی مورد مراجعه از ابتدا تا انتهای فرایند شرط اساسی است. به عبارت دیگر نمیتوان از میانهٔ راه مبنای مقایسه یعنی ذهنیت را عوض کرد. بنابراین «فضا نیز همانند هر پدیده دیگری زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کرده، از طرف دیگر خود نیز به عنوان

۳۷. Houghton and Hunter
۳۸. Gated communities
۳۹. Blakely et al

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نماییم و بالاخره بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم» (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴) و اگر فضای مورد اشاره، تداعی هایی در ذهن فرد ایجاد کند، خاطراتی زنده نماید یا برایش معنای خاصی داشته باشد از پدیده ای عینی به موجود ذهنی تبدیل شده، جای خود را در رده ذهنیت باز میکند و مکان نام می گیرد. و مکان وجهی از فضا است که به وسیلهٔ شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی می باشد. (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۳۲). این همانی را می‌توان با انس یافتن با فضا مترادف دانست. تعلق مکانی به معنی رابطه هم پیوندی میان انسان و محیط از دیگر تبعات احراز هویت است. مردم به فضاهای هویت نیازمندند تا به آنها تعلق داشته باشند. نیاز به تعلق مکانی به حدی است که حتی اگر فردی درصدد نفی تعلق خود به یک مکان خاص باشد، این کار را با منتسب کردن خویش به یک مکان دیگر انجام می‌دهد (قاسمی، ۱۳۷۵، ص ۸۵) و خاطره عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می‌تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل نماید. خاطرات همیشه در ذهن باقی می‌مانند و فرد نمی‌تواند از آنها دور شود. پس خاطره یک منبع ذهنی خودجوش است. خاطره بیش از آنکه منوط به زمان باشد، در بند مکان است. خاطره به واسطه مکان، قابل ارجاع است و زمان، تنها به ردیف کردن پشت سر هم خاطرات کمک می‌کند. زمان از طریق ردیف کردن خاطرات به طرق متفاوت به فضا امکان چند وجهی بودن و تغییرپذیری در ذهن فرد را می‌دهد. خاطرات گاه جنبه شخصی دارند و گاها خاطره‌ای در حافظه جمعی جای می‌گیرد و تبدیل به یک خاطره جمعی می‌شود. هویت و خاطره با هم در ارتباطند، چرا که همه بخشی از تصویر ذهنی‌شان را بر اساس خاطراتشان می‌سازند و از دست رفتن جایگاه عینی آن خاطره عمل انطباق ذهنیت و عنیت را مختل نموده، فرد را در احراز هویت مکانی با مشکل روبرو خواهد ساخت (حبیبی، ۱۳۷۸، صص ۲۶-۲۷). بی‌هویتی به معنای سلب هرگونه امکان تشخیص مفهومی است که در دنیای واقعی و با قانونمندی‌های مادی حاکم بر آن شاید هیچ گاه به صورت مطلق نمود نیابد. زمانی فضا شناخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد، که به معنای نمادین، فرهنگی و اجتماعی وقوف حاصل شود. در صورت عدم درک آن معنا، فضا به درستی فهمیده نشده و یا در آن احساس راحتی نخواهد شد. در این صورت ناهمخوانی فضا با انسان بوجود می‌آید. ناهمخوانی فضا با انسان موجبات عدم ارتباط یا ضعف ارتباط آن دو را فراهم می‌آورد. و بین فرد و فضای ناهمخوان عامل هویتی پیدا نمی‌شود. در صورت عدم ارتباط بین فرد و فضا حادثه‌ای به نام بحران هویت بروز خواهد یافت (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۱۰۴).

اصول حاکم بر طراحی در مقیاس محله

۱. «**مقیاس و تناسب**»: منظور از تناسب رابطه میان ابعاد مختلف یک فضا یا یک شئی است و رابطه ای مستقل از اندازه. در مورد فضا نسبت بین ارتفاع ساختمانها و عرض فضا اعم از اینکه فضا کاملاً محصور و یا نیمهمحصور باشد، موضوع تناسب را تشکیل میدهد. و اگر تناسب، درست و انسانی باشد؛ از نظر روانی در ناظر احساس آرامش خواهد کرد. اما مقیاس بهرابطه بین اندازه یکفضا یا یک شئی با فضاها یا اشیاء اطراف آن مربوط میشود. بررسیهایی که در مورد شهرهای قدیمی غرب صورتگرفته، نشان میدهد که اگر نسبت ارتفاع ساختمان به عرض فضای خطی از ۱:۱ تجاوز کند، ممکن است به ناظر نوعی احساس ترس از تنگی فضا دست دهد. و اگر این نسبت از ۱:۲/۵ کمتر باشد، ناظر احساس میکند که فضا بیش از اندازه گشاد است. بهنظر طراحان غربی وقتی میتوان گفت فضای خارجی بهنحو مطلوبی محصور شده است که نسبت ارتفاع ساختمان به عرض آن، تا یک باشد. اگر این نسبت از یک کمتر باشد، خصوصیت محصور بودن فضا از بین میرود. بهطور کلی با بررسی نمونه های مقیاسها و تناسبات در مجموعه شهری سنتی ایران میتوان برای فضاهای ایستا از نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۲ تا ۱ به ۱/۶ پیشنهاد داد و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

برای فضاهای پویا نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۱ تا ۳ به ۱ پیشنهاد داد.

۲. «**اصل تقارن در فضا شهری**»: اغلب فضاهای معماری در شهر ایران ضمن متناسب بودن و داشتن مقیاس انسانی متقارن نیز هستند.

۳. «**اصل تباین فضایی**»: فضاهای متباین به فضاهایی گفته میشود که از نظر خصوصیات عرض و طول، ارتفاع از یکطرف و عناصر و اجزا محصورکننده از طرف دیگر با یکدیگر تفاوت دارند. در فضاهای شهرهای سنتی ایران فضاهای متباین زیاد دیده میشوند که در غرب کمتر یافت می شود. متباین بودن فضاها، یکنواختی فضاهای ارتباط دهنده را کاهش میدهد. از ویژگی مهم فضاهای متباین، پهن و باریکشدن فضا و سرباز و سربسته بودن آن است. تفاوت در نحوه محصور کردن، فضاها را از نظر مقیاس فضا و تناسب جزئیات بدنه محصورکننده فضا میتواند خصوصیت تباین را بین رشتهای از فضاها تشدید نماید. در طراحی فضاهای متباین باید خصوصیات تفاوت و جاذبه بصری و قلمرو مورد توجه قرار گیرد.

روش طراحی چنین فضاهایی با تغییر مقیاس و خصوصیت محصور نمودن فضاها ممکن میگردد (همان، ص ۶۳-۶۴):

۱. «**اصل قلمرو در فضاهای شهری**»: انسان سعی در مشخص نمودن حد و مرز یا قلمرو فضایی که در آن زندگی می کند دارد. این حد به دو صورت خصوصی و عمومی قابل تشخیص است. فضای خصوصی قلمرو فضایی یک یا چند نفر را مشخص میکند و فضای عمومی نشاندهنده فضای همگانی است. حدواسط بین فضای عمومی و خصوصی بحث بسیار قابل توجهی است که در شهرهای سنتی و قدیمی ما همواره به آن توجه داشتند. بررسیهایی که در غرب صورت گرفته، مسئله دفاع از قلمرو و حد و مرز را به حیوانات نیز تعمیم می دهد.

۲. «**اصل ترکیببندی**»: در صورتیکه بناهای مختلفی با هم ترکیب شوند و فضایی را محصور کنند، لازم است مابین این بناها آنچنان هماهنگی از نظر وحدت شکل برقرار باشد که بدنه محصور کننده علیرغم تشکیل از ساختمانهای مختلف صورتی پیوسته پیدا کند. در این صورت به جای کلمه ساختمانهای مختلف میتوان کلمه واحدهای همانند و هماهنگ را به کاربرد که مجموعه آنها پیوسته و هماهنگ است. این خصوصیت هماهنگ کننده و پیونددهنده را میتوان هویت معماری نامید. که در مورد ساختمانهای مجموعه شهر نیز مانند ساختمانهای بدنه یک گذر یا یک خیابان یا میدان مصداق پیدا میکند. در صورتی که میان بناهای مختلف محصورکننده فضا ناهماهنگی شکلی وجود داشته باشد و عناصر ترکیبکننده نمای هر ساختمان حداکثر برای خود بدون ارتباط با ساختمانهای مجاور طراحی شده باشند، مجموعه فاقد ترکیب است.حالت یکنواختی و خطی محور را با شکستن فضای خطی یکنواخت به چند فضای تنگ و گشاد می توان به صورت پویا و ایستا با ترکیب بدنه های متفاوت اما هماهنگ تعدیل نمود. این امر در واقع کاهش دادن درازای فضا وایجاد تغییراتی در فضاست که آنرا از نظر بصری جالب می نماید. درچنین حالتی ترکیب فضاهای متباین باید بگونهای باشد که ناظر با عبور از تسلسل فضاها احساس یکنواختی نکند. درواقع حرکت ناظر در هر فضا زمانی طولانی نخواهد بود و پیش از احساس یکنواختی وی به فضای دیگری جذب خواهد شد. علاوه بر این فضا نیز دارای مقیاس انسانی باشد و طول آن با سرعت حرکت پیاده تنظیم گردد. ترکیب متفاوت اما هماهنگ بدنه هر فضا از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

یکنواختی فضا می کاهد (همان، ص ۷۶).

۳. «**ترکیب توده و فضا**»: توده ساختمانی و فضا دو جزء یا دو عنصر اساسی ترکیب معماری یا مجموعهای از شهر است. آگاهی از فضا یکی از اصول پایهای در معماری و شهرسازی است، در صورتیکه امروزه طراحان فضا را به اندازه توده ساختمانی مورد توجه قرار نمی دهند. متخصصین غربی که مدت های زیادی به تحقیق در مسئله حجم و فضا پرداخته اند، اعتقاد دارند که اغلب طراحان کور فضایی هستند. بدین معنی که حجم ساختمانها را می بینند ولی از درک فضای بین آنها عاجزند. درحالیکه معماری در واقع ترکیب حجم و فضاست. و طراحی عبارتست از برقراری رابطه متقابل بین توده و فضا (همان، ص ۷۸).

همبستگی اجتماعی در محله و هویت

«همبستگی اجتماعی» از جمله مفاهیمی است که در دههای اخیر در میان نویسندگان و نظریهپردازان رشتههای مختلف در زمینههای علوم انسانی رواج پیدا کرده است. اصطلاح «همبستگی اجتماعی»[۴۰] برای نخستین بار توسط «امیل دورکیم» جامعهشناس فرانسوی مطرح شد (کورز، ۱۳۸۷، ص ۱۹۱). همبستگی اجتماعی در واقع شاخصی برای شناخت میزان وحدت و انسجام گروه و جامعه است و بعبارتی کشش (احساس تعلق و همسرنوشتی) بین اعضای گروه و جامعه را نشان می دهد. همبستگی اجتماعی عاملی است برای تسهیل ارتباطات اجتماعی با وجود چنین عاملی شهروندان می توانند با یکدیگر روابط متقابل داشته و از پیامدهای مثبت آن سود ببرند. از این مفهوم تحت عنوان چسب اجتماعی نیز نام برده میشود که افراد و گروهها را در کنار یکدیگر نگه میدارد. این چسب در واقع همان ارتباطات میان افراد یک گروه است که شامل تعاملات، شبکهها و ظرفیتها می شود. بدون چنین چسبی ما در واقع فقط با یک گردهمآیی انسانها در کنار یکدیگر مواجهه هستیم (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۷۶). به نظر میرسد که همبستگی اجتماعی دارای معنای گستردهای بوده وابعاد و سطوح مختلفی را در برگیرد. همبستگی اجتماعی را در سطح محلهای در سطح شهری و در سطح ملی میتوان بررسی کرد. همچنین می توان همبستگی اجتماعی را در پیوندهای همسایگی و شبکه های اجتماعی و مشارکت های مدنی شهروندان جستجو کرد. در همبستگی های ملی معیارهای کلان، چون ارزشهای ملی و مذهبی مشترک، اهداف، زبان، تاریخ، فرهنگ، مذهب و ملیت مشترک عواملی هستند که سبب ایجاد همبستگی اجتماعی در سطح کلان می شوند، در حالی که در سطوح خرد و میانی علاوه بر عوامل فوق الذکر عوامل دیگری نیز دخیل می باشند. در سطح محله ای همبستگی اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزشهای غیر رسمی حاکم بر آنها مطرح می شود. در مقیاس خرد همبستگی اجتماعی را با گروه ها و نهادهای محلی همچون انجمن ها، باشگاهها و تشکلهای مردمی، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی ساکنان یک محله، میزان و شدت پیوندهای همسایگی، وجود شبکه های اجتماعی رسمی و غیررسمی در محله، مشارکتهای مردمی در محله و وجود اعتماد اجتماعی میان افراد محله ارزیابی می کنند (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

هویت شهروندی در محله و حس مکان

هویت یکی از مهمترین مسائل و چالشهای پیش روی جوامع در حال توسعه، در طی فرآیند جهانی شدن و جهانی سازی عصر حاضر است که تعاریف متعددی از این واژه بهعمل آمده است؛ در فرهنگ لغات واژه هویت بصورت زیر معنی شده است: حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به‌هو، شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی. محلههای شهری یکی از کانون های خرد و ملموس شکل گیری هویت های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند. ارزشها و هنجارهای محلهای نخستین برخورد ملموس افراد با هویت فرهنگی را شکل میدهند و اغلب به صورت مناسبات رویاروی،

۴۰. social cohesion

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

حس تعلق اجتماعی را تقویت میکنند. در محله عمده زمان ساکنان محل در کوچه و خیابان میگذرد و برای ساکنان آن مُحیط محله بیش از فضای داخلی خانه رضایت بخش است. اغلب در محلههای شهری کیفیّت واحد فیزیکی منطبق با رفتارهای اجتماعی است. از اینرو هر محله واحد مشخصاتی جدا از سایر محلههای شهری است. استفاده از مؤسسات محله مثل مراکز مذهبی، باشگاه، قهوهخانه به مردم امکان می دهد که خود را در یک محدوده کاملاً مقید احساس کرده و در نتیجه تعلق بیشتری نسبت به محله مسکونی خویش پیدا کنند؛ چراکه اجتماع شهری باعث میگردد که کنش متقابل اجتماعی و جامعه مدنی شکل گیرد و واحد مکانی که این کنشها عمدتاً در آن شکل میگیرد محله میباشد؛ بنابراین توجه به بعد اجتماعی محله قلمروهای اجتماعی و غیرکالبدی یکی از ضروریات محیط قابل زیست شهری است و ایجاد عناصر کالبدی که بتوانند مرزهای قلمرویی اجتماعی را هرچه بیشتر متبلور سازد، میتواند به ساماندهی بیشتر کنشهای متقابل در اجتماع انسانی منجر شود.

دید بصری در بافت محله، هویت و حس مکان

سیما و شکل شهرها درمعرض دید مستمر میلیون ها نفر از مردم قرار دارند و بیش از هرچیز دیگر ازطریق دید بر روحیهٔ مردم تأثیر میگذارد. این شکل می تواند همانند هنر موسیقی، ادبیات و نقاشی کاملاً موزون، و یا با اغتشاش همراه، و بر رفتارها، فعالیتها و ارتباطات شهری تأثیری نامطلوب برجای گذارد (بحرینی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). به نظر لینچ شهرها تشکیل شده از پنج عنصر «راه، گره، لبه، نشانه و محله» است. در ساخت شهرها و محلات بوسیله این عوامل باید مجموعه ای طرح شود که واجد تسلسل اجزا آن تنها در زمینه که قرار دارند و با سایر اجزا به احساس آید. فرمها باید چنان طرح شوند که سیمای اجزا مختلف را رشته ای بهم پیوسته به یکدیگر مرتبط دارد و این پیوستگی و ارتباط در شب یا روز، زمستان یا تابستان، دور یا نزدیک به احساس آید. نقش مُحیطی که مظاهر بصری نیکو دارد این نیست که صرفا عبور و مرور را آسان گرداند و نه آن که معنا و احساسی که هم اکنون واجد است تقویت کند. نقش مهم دیگر آن ممکن است این باشد که بعنوان عامل هادی و مُحرّک، تفحصات تازه را موجب شود. در جوامعی که اساسی پیچیده دارند، روابط متقابل فراوان بین آدمیان و موسسات موجود است که باید ماهیت آن را شناخت و بر آن تسلط یافت. اگر بافت و اساس مُحیط جوامع انسانی مرئی و روشن باشد و اجزا آن واجد خصوصیات مشخص، تفحص و مشاهده آن هم آسان تر می شود و هم مطلوبتر؛ بنابراین شرایط مُحیطی با زیبایی بصری نقش مهمی در شکل گیری روابط افراد دارد.

فضای اجتماعی در محله و ویت و حس مکان

رابطه اجتماعی در فضا و زمان اتفاق میافتد. مجاورت میتواند علت شروع رابطه اجتماعی باشد، اما شرط کافی آن نیست و میزانی از تجانس برای حفظ این روابط لازم است. ساختار فیزیکی و تقسیمات عملکردی فضا ممکن است گشاینده یا محدود کننده فرصتها برای ارتباط باشد. رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق میافتد؛ بنابراین فضا مجموعهای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را در بر میگیرد. رابطه اجتماعی و فرهنگی مدت زمان خاصی دارد. بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آنها محدود می شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن، به فضا معنی میدهد (طالبی، ۱۳۸۳). «دیر»[۴۱] و «والش»[۴۲] معتقدند که روابط اجتماعی می توانند در فضا شکل بگیرند و همچنین توسط شکل فضا، مورد تهدید قرار گیرند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از مهمترین نیازهای انسان در فضای عمومی، نیاز به برقراری تعامل و ارتباط با سایرین و عناصر مُحیطی در فضای عمومی شهری است. فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که بر اساس پایه های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکلگرفته بر

۴۱. Dear
۴۲. Wolch

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

پایـه ارزشـهای انسـانی شـکل مـی گیـرد. ایـن تعامـل اجتماعـی و مشـارکت مردمـی را میتـوان عنصـر اصلـی و اساسـی محتـوای فضـای شـهری برشـمرد کـه روابـط انسـانی و فعالیـت هـای شـهری را تحـت تاثیـر خـود قـرار مـی دهـد. میـل بـه پیونـد بـا دیگـران و نیـاز بـه بـودن بـا دیگـران، انگیـزه ای اسـت تـا فـرد را در بسـتر فضـای عمومـی شـده و در دسـترس همـگان قـرار داده شـده، بـه تعامـل بـا سـایر افـراد انسـانی و نیـز بـا مُحیـط اطـراف خویـش وادارد و در ایـن کنـش هـا و واکنـش هـای انسـانی و مُحیطـی اسـت کـه مـکان عمومـی در قالـب (فضـای شـهری) نمایـان مـی شـود (منصـوری و همـکاران، ۱۳۹۰). مفهـوم تعامـل اجتماعـی معطـوف بـه مجموعـه پویـش هـا، گرایـش هـا و نگـرش هایـی اسـت کـه بـر پایـه عقلانـی تجمعـی، باورهـای مردمسـالاری، خودبـاوری، خردگرایـی و قانونگرایـی اسـت (پارسـی، ۱۳۸۱) و (سـتارزاده و همـکاران، ۱۳۸۹). فضاهایـی بـه لحـاظ تعامـلات اجتماعـی موفقانـد کـه از تعامـل پویـا، تبـادل اطلاعـات، کسـب تجـارب مُحیطـی، امـکان بیـان خـلاق افـراد و گروههـای حمایـت کننـد کـه ایـن امـر خـود میتوانـد منجـر بـه افزایـش حـس همبسـتگی اجتماعـی و در نتیجـه رضایـت منـدی بیشـتر گـردد. تعامـل اجتماعـی بـه معنـای ایجـاد رابطـه بیـن دو نفـر یـا بیشـتر اسـت کـه منجـر بـه واکنشـی میـان آن‌هـا شـود و ایـن نـوع واکنـش بـرای هـر دو طـرف شـناخته شـده اسـت. بنابرایـن روابـط بـدون معنـا در زمـره ایـن تعریـف قـرار نمی‌گیرنـد. البتـه تعاریـف دیگـری نیـز بـرای تعامـلات اجتماعـی وجـود دارد بـه عنـوان نمونـه، تعامـل اجتماعـی و برقـراری ارتبـاط، میتوانـد یـک موضـوع فیزیکـی، یـک نـگاه، یـک مکالمـه و ارتبـاط بیـن افـراد باشـد کـه خـود مسـتلزم تعریـف رویدادهـا و فعالیت‌هـای متناسـب و در نتیجـه نقش‌پذیـری مـردم در فضـا و عضویـت آنهـا در گروه‌هـا و شـبکه‌های اجتماعـی اسـت (دانشـپور و چرخچیـان، ۱۳۸۶، ص ۲۲). تعامـلات اجتماعـی بـا حضـور اشـیا مختلـف در فضـا مـی توانـد رخ دهـد (Lubis & other، 2010):

۱. «**اجتماع‌پذیـری**»[۴۳]: یکـی از مهمتریـن ابعـاد و ویژگیهـای عمومـی ایجـاد فرصـت هـای لازم جهـت تعامـلات اجتماعـی مـی باشـد. هنگامـی کـه مـردم بـا سـایر افـراد جامعـه تعامـل میکننـد، رابطـه قویتـری بـا مـکان و جامعـه خـود احسـاس مـی نماینـد.

۲. «**فعالیـت و کاربـری**»: رویدادهـای اجتماعـی، نـوع فعالیـت هـا و کاربـری هـای موجـود درون فضـا و تـوان آنهـا در جـذب افـراد و گـروه هـای مختلـف، مهمتریـن عامـل در پویایـی فضاهـای عمومـی و فعـال بـودن آن در سـاعات و فصـول مختلـف اسـت و شـاخص ارزیابـی ایـن بعـد، میـزان و دفعـات مراجعـه افـراد بـه فضـا و مشـارکت در فعالیـت هـای مختلـف اسـت.

۳. «**دسترسـی و ارتبـاط**»: ایـن ویژگـی مـی توانـد در امنیـت و عملکـرد مثبـت فضـا موثـر اسـت. امـکان دسترسـی، تـداوم حرکـت و حضـور گـروه هـای اجتماعـی ویـژه در نقـاط مختلـف فضـا، از جملـه شـاخص هـای تعییـن کننـده مـی باشـند.

٤. «**تصویـر ذهنـی و آسـایش**»[۴۴]: تصویـر ذهنـی بـا چگونگـی سـامان دهـی کالبـدی فضـا و دریافـت آسـایش ذهنـی از فضـا، در ارتبـاط اسـت. تشـخص و خوشـایندی بصـری فضـا در جـذب مـردم موثرنـد کـه سـبب مـی گـردد مـردم آن را جهـت توقـف، قـدم زدن و تجربـه حیـات جمعـی انتخـاب نمایند (دانشـپور و همـکار، ۱۳۸۶).

امنیـت و آسـایش در محلـه و هویـت و حـس مـکان

حضـور فعـال مـردم در شـهر، از عوامـل افزایـش امنیـت در فضـای شـهری اسـت. تسـلط بـر فضـا و دیـده شـدن آن توسـط مـردم، موجـب ایجـاد حـس ایمنـی اسـت فضاهایـی دارای کیفیـت بـالا هسـتند کـه وسـیع تریـن دامنـه فعالیـت هـای پیـاده را امـکان پذیـر مـی کننـد. حـذف ترافیـک بـه افـراد پیـاده امـکان حرکـت بـدون مانـع، امنیـت و آسـایش و آزادی برقـراری ارتبـاط را میدهـد. نهایتـاً حـذف کاربریهـای زمانـدار و اداری از بدنـه بلافصـل فضـا و همچنیـن ایجـاد واحدهـای

۴۳. Socialaccountability

۴۴. Mental image and comfort

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مسکونی در طبقات بدنه مسیر نه تنها به سرزندگی آن کمک مکند، بلکه باعث امنیت بیشتر مسیر و امکان نظارت بر فضا در طول شبانه روز نیز می شود (پاکزاد، ۱۳۸۱، ص ۴). آسایش محیطی از مؤلفه های مهم و اساسی محیطهای انسان برای سکونت و زندگی است. شهرها مانند خانه محسوب می شوند و هما نگونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی هایی برای تأمین آسایش، راحتی و امنیت باشد.همچنین شهر مانند خانه باید محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر باشد تا امکان زندگی مطلوب را فراهم سازد (صالحی، ۱۳۸۲، ص ۲).

خوانایی و تجربه های زیباشناختی و هویت و حس مکان

شاخصه وضوح و خوانایی نشانگر میزان اطلاعاتی فضایی است که که می توان به صورت بصری از یک فضا به دست آورد بنابراین وضوح و خوانایی شهر ارتبط مستقیمی با مفهوم بازسازی کل شهر در ذهن و کنار هم چیدن این قطعات در کنار یکدیگر دارد بنابراین وضوح رابطهای میان ویژگیهای محلی و فراگیر فضای شهری می‌باشد (Hiller، 2007؛ 40-32).

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در نهایت می توان گفت؛ مفهوم محله دارای نقش کلیدی در رویکرد فرهنگی به طراحی شهری است و دیدگاههای متنوعی در رابطه با اهمیت و نقش محله مطرح شدهاند. گسترش فن آوری و شدت استفاده از وسیله نقلیه شخصی، وابستگی افراد را به قلمرو سکونتی و خدمات فراهم شده در آن کاهش داده و تعاملات اجتماعی را در مقیاسی فراتر میسر نموده است. تکنولوژی های ارتباط جمعی، مرزها را به مقیاسی جهانی کشیده است بدون محدودیت فاصله. از طرفی دیگر، نیاز به ارتباط چهره به چهره هنوز زوال نیافته و اهمیت طراحی محله در توانایی آن برای ارتقا تعامل اجتماعی واضح است. موارد زیر خلاصه ای از ادبیات موجود در زمینه محله هاست. نقش عناصرسازنده استخوانبندی محله در ترکیب کلی حس مکان در سطوح محلات همانند نقش نتهای موسیقی در یک دستگاه موسیقیایی و یا نقش واژهها در یک متن ادبی است. تاثیرات متفاوتی که از انواع مختلف ترکیب اجزا در موسیقی و یا ادبیات حاصل می‌شود، شگفتآور است. و این امر در مورد خلق فضاهای شهری در هر مقیاس به ویژه در مقیاس محله نیز شگفتی آور خواهد بود. آهنگی که از طریق ترکیب توده و فضای محله تولید می‌شود، تاثیری مستقیم بر ساکنان یا عابران محله داشته و آنان را به هماوایی با خود وادار می‌سازد. بدین ترتیب کیفیت تجربه‌ای که از این مشارکتها حادث می‌شود، بیانگر کارآیی نیروهای ارسال شده از توده و فضا بوده و خاطره‌انگیز می‌گردد. این دگرگونی در همه جوانب از جمله در شکل نماها، انواع فضاها و رابطه فضاها با یکدیگر، نحوه ساماندهی و تزیینات صورت می‌پذیرد. اما اگر در ناحیه یا منطقه‌ای در طول یک دورهٔتاریخی تغییرات اساسی در الگوهای رفتاری و شیوه اسکان رخ ندهد، طبیعی است که در شکل واحدهای مسکونی نیز شاهد دگرگونی مهمی نخواهیم بود.

جدول ۴. معیارهای موثر بر تصویر ذهنی و کیفیت از دیدگاه صاحبنظران؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

	شاخصها و معیارهای حاصل شده از فراتحلیل تحقیقات انجام شده
اندیشمند	
کامیلوسیته	شکل؛ آثار تاریخی؛ محصوریت؛ توده تعریف کننده فضا؛
کوین لینچ	تناسب؛ دسترسی؛ نظارت و اختیار؛ کارایی؛ سرزندگی؛ معنی؛ عدالت.
هاتن و هانتر	تنوع؛ تمرکز؛ امنیت؛ مقیاس مناسب؛ طراحی ارگانیک؛ اقتصاد و ابزارهای مناسب آن؛ روابط خلاقانه؛ انعطاف پذیری؛ دموکراسی؛ نفوذپذیری؛

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مارگاریت مید	آگاهی از بیوسفر و احساس سرنوشت مشترک؛ حفاظت اکولوژی؛ تنوع؛ تحرک؛ حس محله؛ حس تداوم؛ انتخاب محل سکونت؛ اجتناب از جدایی اجتماعی و امکان گسسته شدن از پیوندهای اجتماعی.
فرانسیس تیبالدز	اهمیت مکانها نسبت به ساختمانها؛ ادغام کاربریها و فعالیتهای شهری؛ توجه به مقیاس انسانی؛ توجه به رشد تدریجی و پویای محیط؛ ادغام مضامین نه گانه و دستیابی به ترکیبهای موثرتر محیطی؛ تامین آزادی عابران پیاده؛ ایجاد خوانایی و وضوح محیط؛ توجه به ماندگاری و پایداری محیطی؛
جان پانتر و کارمونا	کیفیت منظر شهر؛ کیفیت دیدها؛ کیفیت فرم شهر؛ کیفیت پایداری زیست محیط؛ کیفیت فرم ساختمان و کیفیت عرصه همگانی.
PPS	آسایش و منظر؛ استفاده و فعالیتها؛ دسترسی و به هم پیوستگی؛ اجتماع پذیری.
	برخوردهای معنی دار اجتماعی؛ معرفی هویت اجتماعی؛ افزایش احساس راحتی؛ دسترسی های خوب؛ جذب اقشار مختلف؛ حمایت اقتصادی.
جین جیکوبز	نفوذپذیر بودن؛ استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با سنهای مختلف در یک ناحیه؛ توجه به عنصر خیابان؛ اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها؛ قابل دسترس بودن بافت؛

متیو کارمونا	فضای همگان؛ ایمنی و امنیت؛ منظر شهری؛ اختلاط و تراکم؛ همه شمول بودن؛ مدیریت زمانی فضا؛ دسترسی؛ سخت فضا و نرم فضا؛
ویولیچ	قابل قرائت بودن میراثهای فرهنگی؛ لحاظ نمودن پیوندهای بومی- منطقه ای در قالب طرحها؛ قراتپذیری؛ آزادی انتخاب؛ ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرمهای شهری متباین؛ امکان زندگی اجتماعی.
بنتلی و همکاران	نفوذپذیری؛ گوناگونی؛ خوانایی؛ انعطاف پذیری؛ تناسبات بصری؛ غنای حسی؛ رنگ تعلق.
باربراوارد و همکاران	حق تصرف مطمئن؛ اقتصاد فعال؛ کنترل های اجتماعی موثر؛ تصمیمات مشارکتی و فقدان جدایی اجتماعی؛ آب پاک؛ خدمات اساسی؛
دوهل	وجود خدمات بهداشتی مفید و قابل دسترس برای کلیه ساکنین؛ بالا بودن کیفیت کالبد مسکن؛ وجود اکوسیستم های سالم؛ وجود محلات فعال و معنی دار؛ نیازهای اولیه هر شهروند؛ وجود روابط اجتماعی در حد معقول؛ وجود اقتصاد متنوع و خودکفا؛ تنوع فعالیت های فرهنگی.
آلن جیکوبز و اپلیارد	دسترسی به فرصتها، تخیل و شادی؛ اصالت و معنا؛ زندگی اجتماعی و همگانی؛ خوداتکایی شهری؛ سرزندگی؛ هویت و کنترل؛
ترانسیک	محصوریت فضاها؛ پیوستگی لبه؛ کنترل محورها و پرسپکتیوها؛ ممزوج نمودن فضاهای درون و بیرون.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ساوت ورث	بـاز بـودن فضاهـا؛ سـرزندگی و حیـات؛ تنـوع؛ تجانـس؛ شـادی و شـعف؛ معنـی؛ سـلامتی و ایمنـی؛ مرمـت و نگهـداری، خوانایـی؛ شـکل دسترسـی؛ راحتـی و آسـایش؛ حفاظـت از محیـط؛
کولمن	بسـتر و محیـط فرهنگـی؛ بسـتر و محیـط طبیعـی؛ توجـه بـه ارزشـهای معمارانـه محیـط؛ حفاظـت تاریخـی و مرمـت شـهری؛ طراحـی بـرای پیـاده هـا؛ سـرزندگی و تنـوع اسـتفاده؛
پاکزاد	هماهنگـی؛ نظـم؛ مانـدگاری؛ پایـداری؛ تغییرپذیـری؛ زیبایـی؛ وحـدت؛ هویـت؛

لـذا همزمانـی و در زمانـی مجموعـه رفتارهـا، هنجارهـا و فعالیتهـا در فضـا می‌تواننـد بـه مثابـه‌ی نیروهـای پیونـد دهنـده‌ی عناصـر منظـر بصـری و اسـتخوانبندی محلـه نقـش مهمـی ایفـا نماینـد. مرحلـه اول آن اسـت کـه عناصـر و عوامـل شـکل دهنـده محلـه بـه گونـه‌ای اسـتقرار یابنـد کـه بتواننـد فضـای تعامـل بیـن تـوده و فضـا و ادراک سـاکنان را فراهـم آورنـد و سـاکنان بـا حضـور در فضـای بیـن عناصـر بـه هنـگام حرکـت، جریانـی پیوسـته از تجربیـات جمعـی و همگـون را دریابند. گام بعـدی توجـه بـه سـاختار شـبکه‌ای اسـتخوانبندی محلـه و ارتبـاط آن بـا کیفیـت ادراکـی منظـر اسـت کـه می‌توانـد سـاکن و عابـر را از مرکـز بـه پیرامـون هدایـت کنـد. هماننـد دیگـر فضاهـای شـهری محلـه و مرکـز یـا مراکـز آن نیـز می‌توانـد از اصولـی چـون فضـای خارجـی، فضـای داخلـی، اصـل هـم پیونـدی واحدهـا و عناصـر شـهری، اصـل محصوریـت، اصـل مقیـاس و تناسـب اصـل تبایـن فضایـی، اصـل قلمـرو، اصـل ترکیـب و اصـل آگاهـی از فضـا، سـاختار خویـش را پیـدا کنـد. و ایـن اصـول بـه اصولـی چـون خوانایی،نمایانـی، مرکزیـت، حریـم، تضـاد، دوگانگـی، سلسـله مراتـب، تعـادل، وحـدت و کثـرت، رابطـه‌ی انسـان و محیـط، معانـی بیـان و اسـتعاره و رفتـار انسـانی در فضـا کـه از آن بـا عنـوان قـرارگاه رفتـاری یـاد مـی شـود، هـم تجهیـز می‌شـوند. همچنیـن مـی تـوان بـه جدولـی از معیارهـا در مقیـاس محلـی و مطابـق بـا ویژگیهـای روانشـناختی و ادراکـی ایـران خاصـه در سـطح محـلات شـهری دسـت یافـت.

جدول ۵. متغیرها، شاخص ها و گویه های بررسی کیفیّت محلات؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافتههای تحقیق.

		شاخص‌ها	گویه‌ها
متغیرها	کیفیت محیطی	ویژگی‌های زیست مُحیطی	۱. تمیزی آب و هوا؛ ۲. پاکیزگی مُحیط محله؛ ۳. امکان پیاده روی و دوچرخه سواری
		دسترسی	۱. دسترسی به فضای سبز؛ ۲. دسترسی به خدمات تجاری روزمره؛ ۳. دسترسی به فضای بهداشتی و درمانی؛ ۴. دسترسی به فضای آموزشی موردنیاز؛ ۵. دسترسی به ایستگاههای حمل و نقلی
		ایمنی و آسایش	۱. جرم و جرم خیزی در محله؛ ۲. آلودگی صوتی ناشی از حمل و نقل عمومی
		هویت	۱.رویداد تاریخی مهم؛ ۲. مکان تاریخی مهم؛ ۳. احساس تعلق به محله
		دید بصری	۱. هماهنگی مُحیط با فرهنگ ساکنین؛ ۲. هماهنگی ساختمانها به لحاظ فرم؛ ۳. مناسب بودن نمای ساختمان ها؛ ۴. میزان زیبایی محله از دید ساکنین
	روابط	روابط رسمی	همکاری با سازمانها و شورایاری‌ها
		روابط غیر رسمی (مشارکت)	۱.برنامه ریزی برای بهبود مدیریت محلی، ۲. کمک در رفع مشکلات محله؛ ۳. تمایل کمک به همسایگان

عوامـل مؤثـر در شـکلگیری و تعریـف شـخصیت مـکان، هویـت تصویـر و شـخصیت مشـاهده و تصویـر شـده را تشـکیل مـی دهنـد:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ویژگی‌هـــای فرهنگـــی- معنایـــی؛ مهمتریـــن ویژگـی کـه در تبدیـل محیـط بـه مـکان مؤثـر اسـت، کیفیـت معنایـی محیـط مـی باشـد. محیـط پیرامونـی در صورتـی میتوانـد بـه محیطـی بامعنـا تبدیـل شـود کـه امکاناتـی غنـی در تعییـن هویـت ارزانـی دارد و پیونـدی سرشـار از معنـا را بـا جهانـی متشـکل از اشـیا و چیزهـای مختلـف برقـرار سـازد.

ویژگی‌هـــای کالبـــدی؛ هـر مـکان دارای کالبـدی مصنـوع یـا طبیعـی است کـه شـناخت مـکان بـدون آن تحقـق نمـی یابـد. چشـم انـداز دور و نزدیـک، منظـر طبیعـی و مصنـوع، بدنـه هـا، پیکـره فضایـی، نشـانه هـا، عناصـر شـاخص و غیـر شـاخص کالبـدی، عناصـر اصلـی کـف و بـام، خطـوط آسـمان، آسـتانه، مسـیرها، حـدود، مـرز و مـواردی از ایـن دسـت بسـتری را فراهـم مـی آورنـد کـه شـناخت مـکان بـدون شناسـایی آنهـا بـه درسـتی امـکان پذیـر نیسـت و آنهـا در واقـع بـه حـال و هـوا و شـخصیت محلـی مـکان قطعیـت میبخشـند.

ویژگی‌هـــای عملکـــردی؛ عـلاوه بـر کالبـد، یـک مـکان ویژگـی هـای منحصـر بـه فـرد خـود را از حضورکارکردهایـی متمایـز و فعالیـت هـای زیسـتی مشـخص بـه دسـت مـی آورد و در سـایه روشـن زندگـی روزمـره، فعالیـت هـا و عمکردهـای رخ نمـوده احسـاس مـی شـوند. مولفههـای عملکـردی مـکان کـه در در پرتـو مولفههـای کالبـدی امـکان وقـوع مـی یابـد، نقشـی تعییـن کننـده در شـکل دهـی بـه بسـتر مـکان دارنـد. ایـن کـه کاری بـرای انجـام دادن وجـود داشـته باشـد، باعـث مـی شـود کـه افـراد دلیلـی بـرای وارد شـدن بـه فضـا و خـروج از آن داشـته باشـند.

جـدر پایـان عوامـل موثـر بـر ارتقـاء حـس مـکان و هویـت بخشـی آن بـه اختصـار در جـدول زیـر مـورد اشـاره قـرار مـی گیـرد:

جدول۶. جمع‌بندی ویژگی‌های اصلی محیط‌های اجتماع‌پذیر؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق

عوامل فیزیکی		عملکردهای موجود در فضا
		توجه به تناسبات
		مقیاس‌های انسانی
		ایمنی مسیر
		توجه به حواس پنج‌گانه انسان(عوامل روحی و روانی)
		وجود فضای سبز
فضای اجتماع‌پذیر	بعد کالبدی	تامین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم خوانایی و قابل پیش‌بینی بودن فضا
		وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی وآسایش محیطی
	بعد فعالیتی فضا	میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی، پیچیدگی، آموزش، تنوع، انتخاب، هویت‌یابی، خلوت‌جویی و دلبستگی در فضاست.
		تعاملات اجتماعی
ویژگی‌های کالبدی		فرصت‌های کالبدی مناسب جهت نشستن، مکث و تامل بیشتر در فضا
		فضاهای کانونی جهت تجمع افراد مثل: زمین بازی، ایستگاه اتوبوس، مکان غذا خوردن و ...
		ورودی‌های دعوت کننده و دسترسی به لحاظ بصری و کالبدی
		راه‌ها و ارتباطات فضایی مناسب در هدایت مردم درون فضا، خوانایی و وضوح فضایی
		کنترل دسترسی وسایل نقلیه و امنیت پیاده
		تعریف بدنه‌ها هویت جداره‌ها
		پیش بینی فعالیت‌های جاذب
		پیش‌بینی عناصر عملکردی در کنار ابعاد زیبایی شناسانهٔ آن
عوامل معماری و محیطی		دسترسی ها
		توده و فضا
		سیمای شهری
		محیط زیست

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

منابع و مأخذ

۱. بحرینی، حسین (۱۳۸۶) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

۲. بنتلی، ایان (۱۳۸۲) «محیط‌های پاسخده» ترجمه: مصطفی بهزادفر، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت

۳. بهزادفر مصطفی و طهماسبی ارسلان (۱۳۹۲) «شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج» فصلنامه باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۵.

۴. پارسی، حمید رضا (۱۳۸۱) شناخت محتوای فضای شهری، مجله دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۱.

۵. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۱) «سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۲): از کمیت تا کیفیت»، چاپ دوم، تهران: انتشارات آرمانشهر

۶. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸) «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری». چاپ سوم، تهران: انتشارات شهیدی

۷. پاکزاد، جهانشاه و همکاران (۱۳۹۱) «الفبای روانشناسی محیط برای طراحان»، تهران: انتشارات آرمانشهر.

۸. ترابی، محمد (۱۳۹۱) «طراحی محله بر اساس تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

۹. حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۵، تهران.

۱۰. دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) «فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی» نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص ۲۸-۱۹

۱۱. دانشگرمقدم، گلرخ و همکاران (۱۳۹۰) «تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت» دوره ۳، شماره ۴۵، صص ۳۸-۲۷

۱۲. راست‌بین، ساجد و همکاران (۱۳۹۱) «رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی» فصلنامه باغ نظر شماره ۲۱، صص ۴۶-۳۵

۱۳. رفیعیان، مجتبی و خدائی، زهرا(۱۳۸۸) «بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری»، نشریه راهبرد، شماره ۵۳ ، سال هجدهم، صص ۲۴۸-۲۲۷

۱۴. شکوئی، حسین؛ حسینی، سید علی. (۱۳۸۰) سازو کارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرحهای توسعه شهری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۱.

۱۵. عباس‌زاده، شهاب و تمری، سودا (۱۳۹۱) «بررسی و تحلیل مولفه‌های تأثیرگذار بر بهبود کیفیات فضایی پیاده‌راه‌ها به منظور افزایش سطح تعاملات اجتماعی» فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره چهارم، صص ۱۰۴-۹۵

۱۶. فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵) «حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷

۱۷. قنبران، عبدالحمید و جعفری، مرضیه (۱۳۹۳) «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی؛ نمونه موردی: محله درکه تهران»، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷.

۱۸. کرمونا، متیو و همکاران (۱۳۸۸) «مکان‌های

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

عمومـی فضاهـای شـهری»، ترجمـه: فریبـا قرائتـی و همـکاران، تهـران: دانشـگاه هنـر.

۱۹. کـوزر، لوئیـس (۱۳۸۷) زندگـی و اندیشـه بـزرگان جامعـه شناسـی، ترجمـه محسـن ثلاثـی، انتشـارات علمـی، چـاپ چهاردهـم.

۲۰. کاشـانی‌جو، خشـایار (۱۳۸۹) «بازشـناخت رویکردهـای نظـری بـه فضاهـای عمومـی شـهری»، نشـریه هویـت شـهر، شـماره ۶، سـال چهـارم، صـص. ۱۰۶-۹۵

۲۱. گل، یـان (۱۳۸۷) «زندگـی در فضـای میـان سـاختمان‌ها» ترجمـه: شـیما سـادات شـصتی، تهـران: انتشـارات جهـاد دانشـگاهی

۲۲. گلـکار، کـوروش (۱۳۷۹) «مولفه‌هـای سـازنده کیفیـت طراحـی شـهری»، نشـریه علمـی- پژوهشـی صفـه، شـماره ۳۲، ص ۳۳-۲۹

۲۳. گلـکار، کـورش (۱۳۸۶) «مفهـوم سـرزندگی در طراحـی شـهری»، دوفصلناهـم علمـی ـ پژوهشـی صفـه، شـماره ۴۴، صـص ۷۵-۶۶

۲۴. مدنی‌پـور، علـی (۱۳۷۹) «طراحـی فضـای شـهری»، ترجمـه فرهـاد مرتضایـی، شـرکت پـردازش و برنامه‌ریـزی شـهری.

۲۵. مطلبـی، قاسـم (۱۳۸۰) «روانشناسـی محیطـی؛ دانشـی نـو در خدمـت معمـاری و طراحـی شـهری» نشـریه علمی-پژوهشـی هنرهـای زیبـا: شـماره ۱۰، صـص ۶۷-۵۲

۲۶. مـک انـدرو، فرانسـیس تـی (۱۳۹۲) «روانشناسـی محیطـی»، ترجمـه: غلامرضـا محمـودی.چـاپ‌دوم،تهـران:انتشـارات‌وانیـا

۲۷. منصـوری، سـید امیـر (۱۳۹۰) «درآمـدی بـر شـناخت معمـاری منظـر»، مجلـه بـاغ نظـر، شـماره دوم، صفحـات ۷۰-۷۸.

۲۸. الوانـی، سـید مهـدی و سـید تقـوی، میـر علـی (۱۳۸۱) سـرمایه هـای اجتماعـی: مفاهیـم و نظریـه هـا، فصلنامـه مدیریـت، شـماره ۳۳.

29. Hillier B and Hanson J ,The social logiv of space,Cambridge university press1984 ,

30. Hophmayer ,Sharon and Yoram Krozer ,2008,Public participation in rural area water management: experiences from the North Sea countries in Europe ,Water International

31. H.Whyte ,W .1980 .The Social Life of Small Urban Spaces .Washington DC :Project for Public Spaces.

32. H.Whyte ,W .2003 .Social life of small urban spaces ,In Time-Saver Standards for Urban Design, By Donald Watson ,Alan Plattus and Robert Shibley.2.12-1-2.12.8 , McGraw-Hill Professional.

33. H.Whyte ,W .2009 .City :Rediscovering the Center .Pennsylvania: University of Pennsylvania press.

34. Landry ,Charles . (2000) .Urban Vitality :A New Source of Urban Competitiveness Prince ClausFund.

35. Lang ,jan (1961) .Urban Design-The American Experience. New York : Van Nostrand Reinhold, p.96 .

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]